

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

Analysis and Investigation of Economic Education from the Perspective of the Holy Qur'an

تحلیل و بررسی تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم

1. Tahere Mohajer Darabi: PhD Student, Department of Philosophy, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Esmat Rasoli*: Associate Professor, Department of Curriculum Planning, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. (Email: esmatrasoli@yahoo.com)
3. Vahid Fallah: Associate Professor, Department of Curriculum Planning, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

۱. طاهره مهاجر دارابی: دانشجوی دکتری، گروه فلسفه، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. سیده عصمت رسولی*: دانشیار، گروه برنامه ریزی درسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (پست الکترونیک: esmatrasoli@yahoo.com)
۳. وحید فلاح: دانشیار، گروه برنامه ریزی درسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

Abstract

This article aims to analyze and investigate economic education from the perspective of the Holy Qur'an. Employing a descriptive-analytical approach, the study explores foundational concepts and educational principles within Qur'anic economic discourse, using interpretive sources, Qur'anic verses, and previous research. The findings reveal that economic education in the Qur'an is a multidimensional construct integrating moral, spiritual, and social values within the economic domain. Principles such as financial responsibility, contentment, moderation, earning lawful income, and almsgiving form the foundation of faithful economic behavior. Content analysis of economic verses highlights the alignment between Qur'anic teachings and practical economic conduct. Furthermore, the role of prophets in guiding the economic development of communities underscores the importance of moral leadership in achieving justice, piety, and social advancement. Overall, the Qur'an offers a comprehensive model of economic education aimed at cultivating a responsible, God-centered, and ethical economic human being.

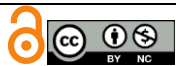
Keywords: *Economic education, Holy Qur'an, moderation, contentment, work and effort, zakat, economic justice*

چکیده

این مقاله با هدف تحلیل و بررسی تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم نگاشته شده است. رویکرد پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره گیری از منابع تفسیری، آیات قرآن و پژوهش های پیشین، به واکاوی مفاهیم بنیادین و اصول تربیتی اقتصادی در قرآن پرداخته است. یافته ها نشان می دهند که تربیت اقتصادی در قرآن، مفهومی چندبعدی است که مفاهیم اخلاقی، عبادی و اجتماعی را در بستر اقتصاد تلفیق می کند. اصولی چون مسئولیت پذیری مالی، قناعت، میانه روی، کسب روزی حلال، و انفاق، پایه های رفتار اقتصادی مؤمنانه را تشکیل می دهند. همچنین تحلیل محتوای آیات اقتصادی، تطبیق میان آموزه های قرآنی و رفتارهای واقعی اقتصادی را نمایان می سازد. نقش پیامبران در تربیت اقتصادی امت ها، بیانگر اهمیت الگودهی و هدایت اقتصادی در راستای عدالت، تقوا و رشد اجتماعی است. در مجموع، قرآن با ارائه الگویی جامع از تربیت اقتصادی، مسیر شکل گیری انسان اقتصادی مسئول، خدامحور و اخلاق مدار را هموار می سازد.

کلیدواژگان: *تربیت اقتصادی، قرآن کریم، میانه روی، قناعت، کار و تلاش،*

زکات، عدالت اقتصادی



How to cite: Mohajer Darabi, T., Rasoli, E., & Fallah, V. (2025). Analysis and Investigation of Economic Education from the Perspective of the Holy Qur'an. *Islamic Knowledge and Insight*, 3(3), 1-15.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 06 March 2025

Revise Date: 08 June 2025

Accept Date: 15 June 2025

Publish Date: 18 October 2025

شیوه استناددهی: مهاجر دارابی، طاهره، رسولی، سیده عصمت، و فلاح، وحید. (۱۴۰۴). تحلیل و بررسی تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۳(۳)، ۱-۱۵.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۶ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۸ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۵ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۶ مهر ۱۴۰۴

مقدمه

تربیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد مهم و مغفول مانده نظام‌های تربیتی، نقش بنیادینی در شکل‌دهی به نگرش‌ها، باورها و رفتارهای اقتصادی انسان‌ها دارد. در دنیای معاصر که اقتصاد به مثابه یکی از ارکان اصلی زیست اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع عمل می‌کند، بی‌توجهی به آموزش و پرورش اقتصادی نسل‌ها می‌تواند تبعات سنگینی در زمینه نابرابری اجتماعی، مصرف‌گرایی، فقر ساختاری، و از بین رفتن فرهنگ کار و تولید به دنبال داشته باشد. از این‌رو، تربیت اقتصادی نه صرفاً به عنوان آموزش مفاهیم پایه‌ای اقتصاد، بلکه به عنوان یک فرآیند فرهنگی و ارزشی که با جهان‌بینی انسان پیوند دارد، باید مورد توجه قرار گیرد. در جامعه اسلامی، که هدایت انسان به سمت کمال مادی و معنوی توأمان مورد تأکید است، مقوله تربیت اقتصادی جایگاه خاصی دارد؛ چرا که اقتصاد سالم، مقدمه‌ای برای تحقق کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، و پیشرفت پایدار تلقی می‌شود.

در اسناد تحولی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز، تربیت اقتصادی یکی از ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین شمرده شده است. در این سند، بر پرورش نسلی تأکید شده که بتواند با شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصادی، زندگی شرافتمندانه، مستقل و مسئولانه‌ای را برای خود و جامعه رقم بزند. نگاه این سند به تربیت اقتصادی، نگاهی ارزشی و اخلاقی است که اقتصاد را نه تنها به عنوان ابزاری برای امرار معاش، بلکه به عنوان بستری برای تحقق حیات طیبه معرفی می‌کند. چنین نگاهی در اسناد بالادستی همچون سند چشم‌انداز بیست‌ساله، نقشه جامع علمی کشور و برنامه درسی ملی نیز دیده می‌شود. در این چارچوب، مفاهیمی چون قناعت، عدالت، انفاق، کار حلال، و پرهیز از اسراف به عنوان مبانی تربیت اقتصادی اسلامی جایگاه کلیدی دارند.

با وجود این تأکیدات نظری و سیاستی، بررسی‌های میدانی و پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که عملکرد نظام آموزشی در زمینه تحقق تربیت اقتصادی ضعیف و نامتناسب با نیازهای واقعی جامعه

است. به‌ویژه در مقاطع تحصیلی پایه، کمتر شاهد آموزش مهارت‌ها و ارزش‌های اقتصادی سازنده هستیم که بتواند نسل آینده را برای ورود مسئولانه به عرصه تولید، مصرف، و مدیریت مالی آماده سازد. پژوهش‌ها حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان و حتی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نه تنها با اصول اولیه اقتصاد آشنا نیستند، بلکه در مواجهه با چالش‌های اقتصادی زندگی روزمره نیز از توانمندی کافی برخوردار نیستند. این ضعف، ریشه در بی‌توجهی به تربیت اقتصادی در ساختارهای برنامه‌ریزی درسی و فقدان منابع آموزشی متناسب با فرهنگ اسلامی دارد.

از سوی دیگر، جهان‌بینی اسلامی بر پیوند ناگسستنی میان اقتصاد، اخلاق و معنویت تأکید دارد و در این میان، قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع معرفتی و تربیتی مسلمانان، آموزه‌هایی گسترده، ژرف و ساختارمند در خصوص تربیت اقتصادی ارائه کرده است. قرآن نه تنها الگوی رفتاری فرد در زمینه‌های مالی و اقتصادی را تبیین می‌کند، بلکه با معرفی اصولی چون توکل، رضایت، قسط، زکات، انفاق، مالکیت مشروع، پرهیز از ربا و احتکار، به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی سالم و انسان‌محور کمک می‌کند. برای مثال، در آیات متعددی مانند «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص/۷۷)، قرآن توازن میان دنیا و آخرت را در کنش‌های اقتصادی توصیه می‌کند. همچنین، به باور محققان، قرآن با رویکردی تلفیقی از تعلیم، تزکیه، و هدایت اقتصادی، توانسته است الگویی جامع برای تربیت اقتصادی انسان ارائه کند که در آن رشد فردی و سعادت جمعی توأمان محقق شود (Ahmadi Far, 2014).

تحقیقات متعددی نیز در این راستا صورت گرفته که ابعاد مختلف تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم را بررسی کرده‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای توسط (Mashayekhi, 2023) با محوریت رابطه رزق و توکل، نشان داده است که توکل بر خداوند در فرآیند معیشت و کسب رزق، یکی از مؤلفه‌های اصلی تربیت اقتصادی قرآنی است. از سوی دیگر، پژوهش (Mehjor, 2022) بر اهمیت باور به کرامت انسانی و خلافت الهی در شکل‌گیری نگرش اقتصادی تأکید کرده و

آن را جزء مؤلفه‌های بینشی تربیت اقتصادی دانسته است. همچنین، پژوهش (Jadari Ali, 2022) با تمرکز بر اخلاق مصرف، اصولی همچون رعایت اعتدال، دوری از اسراف و مصرف مسئولانه را از شاخه‌های اخلاق کاربردی در زمینه اقتصاد اسلامی معرفی کرده است.

یکی دیگر از نقاط ضعف نظام آموزش رسمی، بی‌توجهی به ظرفیت‌های غنی قرآن در تعلیم و تربیت اقتصادی است. در حالی که قرآن به صراحت در آیات متعددی به موضوعات اقتصادی پرداخته و مفاهیمی همچون «رزق»، «معاش»، «انفاق»، «زکات»، «ربا»، «قناعت»، و «اسراف» را مورد بررسی قرار داده است، متأسفانه در تدوین کتب درسی و مواد آموزشی، این مفاهیم اغلب به صورت سطحی، غیرکاربردی و بدون ارتباط نظام‌مند با نیازهای تربیتی دانش‌آموزان مطرح شده‌اند. به عنوان نمونه، (Ranjbar, 2021) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که شاخص‌های تربیت اقتصادی در کتب درسی نهاده نشده و نیازمند بازنگری جدی است. در این میان، بهره‌گیری از قرآن کریم به عنوان منبعی راهبردی در تدوین الگوهای تربیت اقتصادی نه تنها ضرورت دارد، بلکه می‌تواند به ترمیم شکاف‌های موجود در نظام تربیتی کمک کند. قرآن با ساختاری منحصر به فرد، مفاهیم اقتصادی را در دل پیام‌های اخلاقی، عبادی و اجتماعی ارائه می‌دهد؛ به طوری که تربیت اقتصادی در آن صرفاً به آموزش مفاهیم مالی محدود نمی‌شود، بلکه هدف آن، پرورش انسان اقتصادی مؤمن، عادل و مسئول است. از منظر قرآن، انسان اقتصادی مطلوب کسی است که ضمن تلاش مشروع برای کسب رزق، تعهد اخلاقی و مسئولیت اجتماعی خود را نیز به درستی ایفا می‌کند (Amarloo et al., 2019).

بر این اساس، هدف مقاله حاضر، تحلیل و بررسی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی است. در این مسیر، تلاش می‌شود تا از طریق بررسی منابع معتبر قرآنی و پژوهش‌های علمی انجام‌شده، عناصر کلیدی تربیت اقتصادی استخراج و تبیین گردد. این مقاله می‌کوشد به این دو

پرسش اساسی پاسخ دهد: نخست، مؤلفه‌ها و ابعاد تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم چیست؟ و دوم، بر اساس این مؤلفه‌ها، چه الگویی برای تربیت اقتصادی با رویکرد قرآنی می‌توان ارائه کرد؟

نگاه این مقاله بر آن است که تربیت اقتصادی اسلامی، نه صرفاً آموزش تکنیک‌های مالی، بلکه فرآیندی چندبعدی و ارزشی است که انسان را به سوی عدالت، مسئولیت‌پذیری، و زیست اقتصادی مبتنی بر اخلاق الهی رهنمون می‌سازد. با تحلیل مبانی قرآنی و تأمل در نظام معنایی آیات، می‌توان الگویی جامع برای تربیت اقتصادی نسل آینده طراحی کرد که هم با نیازهای جهان معاصر هم‌خوانی داشته باشد و هم با ارزش‌های اسلامی هم‌راستا باشد. در این راستا، پژوهش‌هایی همچون (Tahmasebzadeh Sheykhlar et al., 2022) و (Shadkam, 2022) نیز به روشنی نشان داده‌اند که مفاهیم قرآنی قابلیت تبدیل شدن به شاخص‌های تربیت اقتصادی نظام‌مند را دارند.

در مجموع، بررسی و تحلیل تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم، نه تنها می‌تواند به ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران کمک کند، بلکه امکان پی‌ریزی ساختار اقتصادی سالم، عادلانه و پایدار را نیز در سطح جامعه فراهم می‌سازد. این مقاله، تلاشی است در جهت تحقق این هدف.

مبانی نظری و مفهومی

تربیت اقتصادی یکی از زیرساخت‌های بنیادی هر جامعه برای ساختن نسلی توانمند، مستقل و آگاه به مسائل معیشتی و مالی است. این تربیت به فرآیند آموزش و پرورش نگرش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهایی اطلاق می‌شود که فرد را قادر می‌سازد به صورت اخلاقی، مؤثر و مسئولانه در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کند. در تعریف مفهومی، تربیت اقتصادی صرفاً انتقال دانش نظری اقتصاد یا آموزش صرف مفاهیم مالی مانند سود، زیان یا بازار نیست، بلکه مجموعه‌ای از فرآیندهای ذهنی، ارزشی و رفتاری است که با هدف شکل‌دادن به نگرش انسان نسبت به مفاهیمی مانند کار، مصرف، درآمد، انفاق، قناعت، اعتدال و عدالت اقتصادی طراحی می‌شود. به عبارت دیگر،

تربیت اقتصادی یک تربیت چندساحتی است که علاوه بر آموزش مفاهیم اقتصادی، بر تعالی اخلاقی، تربیت دینی، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز تأکید دارد.

از منظر قرآن کریم، انسان موجودی است که نه تنها وظیفه آبادسازی زمین را بر عهده دارد، بلکه مأمور است تا در تعامل با طبیعت و دیگران، ارزش‌هایی همچون عدالت، امانت‌داری، توکل، و انفاق را در حیات اقتصادی خود پیاده کند. این نگاه در آموزه‌های قرآنی به صورت پیوسته دیده می‌شود و در بسیاری از آیات، تربیت اقتصادی انسان در پیوند با هدایت الهی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، آیه ۷۷ سوره قصص با تأکید بر توازن میان بهره‌برداری از نعمت‌های دنیوی و تلاش برای آخرت، نمونه‌ای روشن از تربیت اقتصادی اسلامی است.

در تعاریف ارائه شده توسط محققان، تربیت اقتصادی اسلامی متشکل از سه بعد اصلی است: بعد شناختی، بعد گرایشی و بعد رفتاری. بعد شناختی به مفاهیمی مانند ایمان به رزاقیت الهی، باور به مالکیت خداوند، و فهم احکام مربوط به معاملات و مصرف مربوط است. در بعد گرایشی، نگرش‌هایی همچون قناعت، پرهیز از اسراف، و تمایل به انفاق و زکات مدنظر قرار دارد. بعد رفتاری نیز شامل عملکردهایی مانند کسب روزی حلال، مدیریت منابع، پرداخت خمس و زکات، و مشارکت در تولید سالم می‌شود. (Mehjor, 2022) در پژوهش خود بر اهمیت این ابعاد تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که تربیت اقتصادی اسلامی باید ضمن توجه به شریعت، به ارتقاء کرامت انسان نیز منجر شود.

جایگاه تربیت اقتصادی در قرآن کریم، جایگاهی ریشه‌دار و بنیادین است. قرآن نه تنها از اقتصاد به عنوان یک امر دنیوی صرف یاد نمی‌کند، بلکه آن را بستری برای رشد معنوی و اجتماعی انسان تلقی می‌نماید. در واقع، اقتصاد در قرآن هم به عنوان ابزار تأمین معاش مطرح است و هم به مثابه عرصه‌ای برای تحقق ارزش‌های توحیدی و اخلاقی. به گفته (Ahmadi Far, 2014)، قرآن به گونه‌ای

برنامه‌ریزی شده است که تمام شئون زندگی انسان، از جمله اقتصاد، را تحت نظم الهی قرار دهد و هیچ‌گاه از اخلاق و معنویت جدا نبیند. مفاهیم اقتصادی همچون رزق، انفاق، قناعت، زکات، حلال و حرام، بارها در آیات قرآن مطرح شده‌اند و این نشان‌دهنده اهمیت آموزش اصول اقتصادی در چارچوب آموزه‌های دینی است. به عنوان نمونه، در آیه ۱۰ سوره اعراف، خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» که مفهوم معیشت و بهره‌برداری از زمین برای تأمین نیازهای اقتصادی انسان‌ها را با اصل شکرگزاری و مسئولیت‌پذیری پیوند می‌دهد.

در پژوهشی دیگر، (Al-Rasul & Bardabard, 2013) با بررسی دیدگاه قرآن در خصوص توسعه رزق، نشان داده است که قرآن با محوریت رزاقیت خداوند، انسان را به تلاش مشروع و توکل همزمان دعوت می‌کند. در همین راستا، (Mashayekhi, 2023) نیز تأکید می‌کند که رابطه میان توکل و کسب رزق، یکی از مفاهیم محوری تربیت اقتصادی در قرآن است، زیرا انسان را از وابستگی به امور مادی‌رهای می‌بخشد و نگاه معنوی به معیشت ایجاد می‌کند. ارتباط میان مفاهیم اقتصادی و تربیت اسلامی، ارتباطی دوسویه و تعمیق‌یافته است. مفاهیم اقتصادی در قرآن نه تنها جنبه فقهی دارند، بلکه به شکل مفصل در بستر تربیت اخلاقی و معنوی قرار گرفته‌اند. به تعبیر (Davari Chalqai & Bakoui, 2019)، مفاهیمی چون کار، تولید، مالکیت، و مصرف در قرآن، همواره در چارچوب عدالت، توحید، و تکریم انسان مطرح شده‌اند. از نگاه وی، در قرآن هیچ مفهومی از اقتصاد نمی‌توان یافت که از ارزش‌های الهی و اجتماعی گسسته باشد.

یکی از مفاهیم بنیادی در این زمینه، مفهوم قناعت است که بارها در آیات و روایات مورد توجه قرار گرفته است. قناعت به معنای رضایت از آنچه هست و دوری از حرص و طمع است و یکی از کلیدی‌ترین ارزش‌هایی است که قرآن برای سلامت اقتصادی جامعه بر آن تأکید دارد. (Akbari Dastak, 2016) قناعت را عنصر اصلی در شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلامی معرفی می‌کند. او

معتقد است که آموزش قناعت به نسل جوان، زمینه‌ساز کاهش وابستگی به مصرف‌گرایی افراطی و افزایش اعتماد به توانمندی‌های بومی است.

در کنار قناعت، عدالت اقتصادی و پرهیز از اسراف نیز از اصول کلیدی تربیت اقتصادی قرآنی هستند. به گفته (Norouzi, 2016)، قرآن با نهی صریح از اسراف و تبذیر، نه تنها الگوی مصرف را اصلاح می‌کند بلکه به سمت بهره‌برداری مسئولانه و عقلانی از منابع سوق می‌دهد. در آیه ۳۱ سوره اعراف، خداوند بندگان خود را به پوشیدن لباس زیبا در هنگام نماز توصیه می‌کند اما بلافاصله پس از آن می‌فرماید: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». این آیه نشان می‌دهد که حتی در زمینه‌هایی که انسان مجاز به استفاده از نعمات الهی است، باید حد اعتدال را رعایت کند.

ابعاد اخلاقی تربیت اقتصادی نیز در پژوهش‌های متعددی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. برای نمونه، (Jadari Ali, 2022) اخلاق مصرف را زیرمجموعه‌ای از اخلاق کاربردی دانسته و معتقد است که رفتارهای مصرفی افراد و خانوارها باید بر اساس اصول اسلامی مانند میانه‌روی، انصاف، رعایت حق دیگران، و پرهیز از اشرافی‌گری سامان یابد. این رویکرد، مصرف را از یک رفتار صرفاً اقتصادی به یک کنش فرهنگی و اخلاقی تبدیل می‌کند که در آن ارزش‌های دینی راهنمای رفتار فرد هستند.

در همین راستا، مفهوم انفاق به عنوان یکی از مظاهر تربیت اقتصادی در قرآن مطرح است. (Beheshti, 2011) در پایان‌نامه خود، انفاق را نه تنها به عنوان عملی خیرخواهانه، بلکه به مثابه ابزار تربیتی برای تقویت حس نوع‌دوستی، همبستگی اجتماعی، و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری معرفی می‌کند. از نگاه قرآن، فرد مسلمان نباید تنها به تأمین نیازهای شخصی خود بیندیشد، بلکه باید در اقتصاد جامعه مشارکت فعال داشته و در رفع نیاز نیازمندان سهم بگیرد.

یکی دیگر از مفاهیم مهم در تربیت اقتصادی، باور به رزاقیت الهی و حکمت خداوند در توزیع روزی است. از نگاه (Mehjor, 2022)، باور به این اصل نه تنها آرامش روانی در زندگی اقتصادی انسان ایجاد

می‌کند، بلکه او را از حرص، حسد و اضطراب دور می‌سازد. این نگاه در آیات متعددی مانند «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (ذاریات/۲۲) تجلی دارد.

از سوی دیگر، در پژوهش (Hatifi Kivanlu, 2020)، نقش جهان‌بینی توحیدی در رفتار اقتصادی انسان به صورت ویژه بررسی شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که توحید، به عنوان زیربنای فکری مسلمان، تمام ابعاد زندگی از جمله اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، انسان موحد نمی‌تواند به اقتصاد نگاه ابزاری و صرفاً مادی داشته باشد، بلکه آن را بستر تحقق عبودیت و عدالت می‌بیند.

در مجموع، مفاهیم اقتصادی در قرآن با ساختاری اخلاقی و معنوی به مخاطب عرضه شده‌اند و این امر نشان‌دهنده آن است که تربیت اقتصادی اسلامی در پی ایجاد انسان اقتصادی اخلاق‌مدار، مسئول و مؤمن است. این انسان، در عین حال که تلاش مشروع برای کسب روزی می‌کند، در برابر جامعه، خدا، و طبیعت نیز مسئول است و کنش‌های اقتصادی‌اش بر اساس اصولی همچون قناعت، میانه‌روی، انفاق، و عدالت جهت‌گیری می‌شود. مقاله حاضر نیز با این نگاه، تلاش می‌کند تا مؤلفه‌های تربیت اقتصادی قرآنی را استخراج، تحلیل و ارائه نماید.

مفاهیم بنیادین اقتصادی در قرآن کریم

یکی از بنیادی‌ترین مفاهیمی که قرآن کریم در حوزه اقتصادی به آن توجه دارد، مسئله مالکیت و نحوه مصرف منابع است. در نگاه قرآنی، مالکیت حقیقی از آن خداوند است و انسان صرفاً به عنوان خلیفه و امانت‌دار بر زمین شناخته می‌شود. آیات متعددی در قرآن این اصل را یادآور می‌شوند، از جمله آیه «أَتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» که در آن تأکید می‌شود مال، متعلق به خداوند است و انسان وظیفه دارد در مصرف آن رعایت عدالت، میانه‌روی و انصاف را داشته باشد. مالکیت در اسلام با مسئولیت اجتماعی پیوند دارد و حقی مطلق و بی‌حد و مرز تلقی نمی‌شود. به تعبیر (Asadi Kani, 2014)، در قرآن مالکیت به عنوان امری نسبی در نظر گرفته شده که باید در

چارچوب اخلاق و حقوق عمومی مصرف شود. از این منظر، انسان در نحوه مصرف اموال خود نیز باید به موازین الهی پایبند باشد. مصرف در قرآن کریم، دارای چارچوب مشخصی است که از اسراف، تبذیر و رفاه‌زدگی بی‌ضابطه به‌شدت نهی شده است. آیات متعددی مانند «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» و «وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيراً» صراحتاً مصرف بی‌رویه را مذمت کرده‌اند. (Norouzi, 2016) در پژوهش خود نشان داده که قرآن با تبیین دقیق الگوی مصرف اسلامی، خواستار مصرف مبتنی بر نیاز واقعی، خردمندی و آینده‌نگری است و این مسئله در تربیت اقتصادی مسلمانان اهمیت بنیادین دارد. در واقع، مصرف در قرآن صرفاً رفتاری اقتصادی نیست بلکه امری اخلاقی، دینی و اجتماعی است که به رشد شخصیت و ساختار جامعه کمک می‌کند.

در ادامه، مفهوم تولید و توزیع نیز از جایگاه خاصی در آموزه‌های قرآنی برخوردار است. تولید در قرآن به مثابه تلاش انسانی در تعامل با طبیعت الهی تعریف می‌شود. آیات متعددی انسان را به «کسب» و «سعی» دعوت می‌کنند، که نشان‌دهنده تأیید ضمنی تولید و کارآفرینی در نظام اقتصادی اسلام است. (Faqih et al., 2016) در تحلیل خود از آیات قرآنی به این نکته اشاره می‌کند که تولید در چارچوب اخلاقی، معنوی و با نیت خدمت به جامعه، نه صرفاً سودآوری، مطلوب شمرده شده است. از این رو، انگیزه تولید در قرآن، تأمین معیشت خود و جامعه و آبادسازی زمین است، نه صرفاً افزایش دارایی و انباشت سرمایه.

از سوی دیگر، توزیع در قرآن بر اصل عدالت و برابری استوار است. آیات قرآنی از جمله آیه «كُلٌّ لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» اشاره دارد که ثروت نباید در دست گروه خاصی متمرکز شود، بلکه باید به‌صورت عادلانه در سطح جامعه توزیع گردد. (Ranjbar, 2021) بر این باور است که قرآن با تأکید بر عدالت توزیعی، به دنبال آن است که شکاف طبقاتی در جامعه کاهش یافته و فرصت‌های برابر اقتصادی برای همگان فراهم شود. در این چارچوب، توزیع از یک فرآیند اقتصادی صرف، به یک مسئولیت اجتماعی و دینی ارتقاء

می‌یابد که در آن توانگران وظیفه دارند در برابر محرومان جامعه ایفای نقش کنند.

در قرآن، کار و تلاش جایگاه والا و محترمی دارد و یکی از مصادیق عبادت تلقی می‌شود. انسان از منظر قرآنی مأمور به کار است و امرار معاش از طریق تلاش مشروع، نه تنها مجاز بلکه ستوده است. در آیات متعددی نظیر «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» کار به‌عنوان تنها عامل مشروع در دستیابی به دستاوردهای مادی مطرح شده است. (Akrami, 2017) در بررسی خود بر این نکته تأکید می‌کند که از دیدگاه قرآن، تلاش اقتصادی انسان نه تنها وسیله تأمین نیازهای مادی است بلکه بستری برای رشد معنوی و تقرب به خداوند نیز محسوب می‌شود. کار در قرآن به‌عنوان ارزش و کرامت انسانی شناخته می‌شود و بیکاری یا وابستگی اقتصادی به دیگران، نوعی ضعف و کاستی در ایمان و همت شمرده شده است.

ابعاد اخلاقی کار نیز در قرآن پررنگ است. صداقت در کار، رعایت حقوق دیگران، مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری و عدالت، از جمله ارزش‌هایی هستند که در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی و شغلی بر آن‌ها تأکید شده است. در همین راستا، (Amarloo et al., 2019) تأکید می‌کند که تلاش برای کسب روزی حلال، نه تنها عامل رشد اقتصادی فرد و جامعه است، بلکه باعث تحکیم بنیان خانواده نیز می‌شود. در مطالعه او، مفاهیمی چون شرافت در کسب، اعتدال در مصرف، و پرهیز از فریب و دروغ‌گویی به‌عنوان اصول اخلاقی فعالیت اقتصادی از منظر قرآن معرفی شده‌اند.

مفهوم عدالت اقتصادی و قسط، یکی دیگر از ارکان محوری اقتصاد قرآنی است. قرآن کریم در آیات متعددی از جمله «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ بِالْعَدْلِ وَالْقِسْطِ» انسان‌ها را به برقراری عدالت در مناسبات اقتصادی فرا می‌خواند. این عدالت در ابعاد گوناگونی از جمله عدالت در مالکیت، توزیع درآمد، فرصت‌های اقتصادی، و حقوق مصرف‌کننده تجلی می‌یابد. از نگاه قرآن، جامعه‌ای که فاقد عدالت اقتصادی است، دچار تبعیض، فقر، و فساد ساختاری می‌شود. (Davari Chalqai & Bakoui, 2019) در پژوهش خود، بر

اهمیت عدالت اقتصادی به عنوان عامل حفظ توازن اجتماعی تأکید می‌کند و معتقد است که قرآن با ارائه الگوهای توزیعی عادلانه همچون زکات، انفاق، و وقف، زمینه تحقق این عدالت را فراهم ساخته است.

عدالت اقتصادی از منظر قرآن نه تنها عدالت ساختاری بلکه عدالت فردی نیز هست. بدین معنا که هر فرد باید در سطحی از توانایی اقتصادی باشد که زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشد و هم‌زمان از اسراف و احتکار و انباشت غیرضروری دارایی پرهیز کند. (Mehri, 2019) این مفهوم را با عنوان «عدالت درون‌زا» تحلیل می‌کند و آن را نشأت گرفته از بینش توحیدی و اخلاقی قرآن می‌داند.

در زمینه عدالت توزیعی، آموزه‌های مربوط به زکات، انفاق و صدقه نقش بسیار برجسته‌ای دارند. این مفاهیم نه تنها ابزارهایی برای کمک به محرومان هستند بلکه سازوکاری برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی به شمار می‌آیند. زکات، به عنوان یک واجب دینی، سهم مشخصی از دارایی انسان است که باید به مستحقان داده شود. (Shadkam, 2022) در بررسی خود بر آثار تربیتی زکات، آن را عاملی برای کاهش فقر، ایجاد همبستگی اجتماعی، و ارتقاء روحیه مسئولیت‌پذیری در جامعه معرفی می‌کند.

در کنار زکات، انفاق نیز به عنوان عملی داوطلبانه اما تأکیدشده، جایگاه ویژه‌ای در قرآن دارد. آیات بسیاری به تشویق مؤمنان به انفاق در راه خدا، به‌ویژه در زمان‌های دشوار و برای نیازمندان اختصاص یافته‌اند. انفاق نه تنها به کاهش فقر کمک می‌کند بلکه زمینه‌ساز پالایش نفس، ارتقاء تقوا، و تحکیم روابط اجتماعی نیز هست. (Beheshti, 2011) در تحلیل خود، انفاق را نه فقط یک عمل اقتصادی، بلکه یک آموزه تربیتی دانسته که شخصیت فرد را در راستای همدلی، ایثار و عدالت‌خواهی شکل می‌دهد.

صدقه نیز، به عنوان شکل داوطلبانه و شخصی انفاق، در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. آیات متعددی از جمله «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ» بر فضیلت این عمل تأکید دارند. (Iravani, 2012) با

بررسی آیات مربوط به صدقه، آن را ابزاری برای کنترل نابرابری‌های اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع اسلامی معرفی می‌کند. در نهایت، می‌توان گفت که مفاهیم مالکیت، مصرف، تولید، توزیع، کار، عدالت، زکات، انفاق و صدقه، ستون‌های اصلی تربیت اقتصادی در قرآن کریم را شکل می‌دهند. این مفاهیم نه تنها ناظر به مسائل مالی و اقتصادی هستند، بلکه در پی آن‌اند که انسان را به سمت حیات طیبه و زیستی مسئولانه در جامعه هدایت کنند. بر این اساس، تربیت اقتصادی قرآنی تنها به آموزش مفاهیم اقتصادی ختم نمی‌شود، بلکه هدف نهایی آن، پرورش انسان‌هایی است که در رفتار اقتصادی خود، اخلاق، ایمان و عدالت را سرلوحه قرار می‌دهند.

اصول تربیتی اقتصاد در قرآن

قرآن کریم به عنوان جامع‌ترین منبع هدایت انسان، تنها به بیان احکام فقهی یا دستورهای عبادی بسنده نکرده، بلکه نگاهی چندبعدی به تربیت انسان در عرصه‌های مختلف، از جمله اقتصاد دارد. در این میان، اصول تربیتی اقتصاد، جایگاهی کلیدی در ساماندهی رفتار مالی و اقتصادی مسلمانان دارند و می‌توان آن‌ها را به عنوان عناصر بنیادینی در نظام تربیت اقتصادی اسلامی معرفی کرد. این اصول نه تنها جهت‌دهنده‌ی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فردی و اجتماعی‌اند، بلکه در رشد شخصیت اخلاقی انسان نیز نقشی اساسی ایفا می‌کنند.

یکی از نخستین اصول تربیتی اقتصاد در قرآن، اصل مسئولیت‌پذیری مالی است. از منظر قرآن، هر فرد نسبت به اموال و منابعی که در اختیار دارد، مسئول است و باید در قبال نحوه کسب، مصرف، و توزیع آن‌ها پاسخ‌گو باشد. در آیات متعددی مانند «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء/۵)، به لزوم نظارت و دقت در مصرف منابع مالی اشاره شده است. این آیه بیانگر آن است که ثروت یک امانت الهی است که نباید به دست افراد فاقد صلاحیت و درک اقتصادی سپرده شود. در همین راستا، (Mousavi Nasab, 2020) تأکید می‌کند که تقویت حس مسئولیت در قبال ثروت، محور اصلی بسیاری از آیات اقتصادی قرآن است. این مسئولیت‌پذیری نه تنها شامل نحوه مصرف منابع بلکه شامل چگونگی

کسب درآمد نیز می‌شود؛ چنان‌که از نگاه قرآن، درآمد حاصل از ربا، رشوه، فریب یا احتکار، فاقد مشروعیت است.

اصل مسئولیت‌پذیری مالی به‌گونه‌ای است که حتی در مصرف شخصی نیز باید اصول اخلاقی رعایت شود. فرد مؤمن از منظر قرآن باید آگاه باشد که هر هزینه، مصرف و سرمایه‌گذاری او آثار فردی و اجتماعی در پی دارد. از این رو، (Jaddi, 2011) در بررسی آموزه‌های قرآنی، مسئولیت‌پذیری مالی را یکی از اساسی‌ترین ارکان تربیت اقتصادی می‌داند که در صورت نهادینه‌سازی، می‌تواند از بسیاری از آسیب‌های اقتصادی، مانند ولخرجی، بدهکاری مفرط، و وابستگی مالی به دیگران پیشگیری کند.

اصل دیگری که در تربیت اقتصادی قرآنی بارها مورد تأکید قرار گرفته، میانه‌روی و پرهیز از اسراف است. قرآن مصرف‌کنندگان بی‌رویه را «اخوان الشیاطین» می‌نامد و آنان را از رحمت الهی دور می‌داند. در آیه «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱)، به روشنی اسراف را نکوهش و میانه‌روی را توصیه می‌کند. (Jadari Ali, 2022) در پژوهش خود بر اخلاق مصرف اسلامی، میانه‌روی را نه تنها به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی بلکه به‌عنوان یک ضرورت اقتصادی در شرایط کمبود منابع معرفی می‌کند. به باور او، میانه‌روی در مصرف به معنای توازن میان نیاز و منابع است که نه به ولخرجی می‌انجامد و نه به بخل.

در همین راستا، (Beheshti, 2011) نیز بر آن است که آموزش مفهوم میانه‌روی به کودکان و نوجوانان از سنین پایین، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری سبک زندگی اقتصادی سالم در بزرگسالی شود. از منظر تربیت اقتصادی، پرهیز از اسراف به معنای بهره‌برداری صحیح از منابع خدادادی، احترام به نعمت‌ها و درک ارزش مصرف است. در نظام اقتصادی اسلام، اسراف نه تنها منجر به اتلاف منابع می‌شود بلکه موجب اختلال در عدالت توزیعی و بروز فاصله‌های طبقاتی نیز می‌گردد.

از دیگر اصول مهم تربیت اقتصادی در قرآن، تشویق به کار و کسب حلال است. در نگرش قرآنی، کار نه تنها وسیله‌ای برای تأمین معاش

بلکه زمینه‌ساز تکامل فردی و اجتماعی نیز تلقی می‌شود. آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) نشان می‌دهد که تلاش و کوشش فردی، اساس بهره‌مندی مشروع از مواهب الهی است. (Tahmasebzadeh Sheykhlar et al., 2022) در پژوهش خود بر مؤلفه‌های تربیت اقتصادی، کار و کسب حلال را ستون اصلی استقلال اقتصادی دانسته و معتقد است که کار، عامل کرامت‌بخش انسان در نظام تربیتی قرآنی است.

در آموزه‌های قرآنی، ارزش‌گذاری بر کار و تلاش به‌گونه‌ای است که حتی پیامبران الهی نیز برای تأمین معاش خود تلاش می‌کردند. این اصل موجب آن می‌شود که کار و فعالیت اقتصادی نه تنها از ارزش اجتماعی برخوردار شود بلکه از نظر معنوی نیز پاداش‌پذیر باشد. (Amarloo et al., 2019) در تحلیل نقش روزی حلال در تحکیم خانواده، نشان می‌دهد که درآمد حاصل از راه‌های مشروع، نقشی اساسی در حفظ بنیان‌های اخلاقی و عاطفی خانواده دارد، در حالی که درآمدهای شبهه‌ناک، موجب فروپاشی آرامش روانی در خانواده می‌شود.

از دیگر عناصر اساسی تربیت اقتصادی در قرآن، تقویت روحیه قناعت و رضایت است. قناعت در قرآن، رفتاری درون‌زا و خودخواسته است که فرد را از طمع، زیاده‌خواهی و وابستگی به دیگران حفظ می‌کند. آیات بسیاری همچون «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (طه/۱۳۱)، مؤمنان را به قناعت و بی‌اعتنایی به تجمل‌گرایی توصیه می‌کنند. (Akbari Dastak, 2016) در مقاله خود، قناعت را به‌عنوان ابزار تثبیت اقتصاد مقاومتی معرفی کرده و بر اهمیت فرهنگی آن در سبک زندگی اسلامی تأکید می‌کند. به باور او، قناعت به معنای رضایت از آن‌چیزی است که با تلاش مشروع به‌دست آمده و نه به معنای پذیرش فقر یا محرومیت.

قناعت در کنار پرهیز از اسراف، به توازن روانی و اقتصادی در زندگی کمک می‌کند. فرد قانع نه تنها بهتر می‌تواند از منابع محدود استفاده کند، بلکه در برابر وسوسه‌های اقتصادی، پایداری بیشتری نشان می‌دهد. (Mehjor, 2022) نیز بر این نکته تأکید دارد که

قناعت، عاملی کلیدی در تربیت روانی افراد برای زیست اقتصادی سالم است و موجب تقویت رضایت‌مندی، آرامش، و کنترل هیجانات مالی می‌شود.

از دیگر اصول مهم تربیتی در قرآن، توجه به آموزش ارزش‌های اقتصادی به نسل آینده است. تربیت اقتصادی از دیدگاه قرآن، باید از سنین کودکی آغاز شود و در نهاد خانواده، مدرسه و جامعه تداوم یابد. در این مسیر، آموزش مفاهیمی مانند کار، انفاق، قناعت، پرهیز از اسراف، مسئولیت‌پذیری مالی و تولید حلال، نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت اقتصادی کودکان و نوجوانان دارد. (Mehjor, 2022) معتقد است که انتقال ارزش‌های اقتصادی قرآنی به نسل آینده نه تنها آنان را برای چالش‌های مالی آماده می‌سازد، بلکه زیربنای اقتصاد سالم و پایدار در آینده را بنیان می‌گذارد.

همچنین، (Faqih et al., 2016) با اشاره به اهداف تربیتی قرآن در حوزه مصرف، یادآور می‌شود که نوجوانان در مواجهه با تبلیغات مصرف‌گرایانه، نیازمند آموزش‌های مقاوم‌ساز هستند تا بتوانند تصمیمات عقلانی، اخلاقی و مبتنی بر باورهای دینی بگیرند. در این زمینه، والدین، معلمان و نهادهای فرهنگی باید با الگودهی و آموزش هدفمند، نوجوانان را با معنای واقعی دارایی، مسئولیت مالی، و مهارت‌های اقتصادی آشنا کنند.

در نهایت، اصول تربیتی اقتصاد در قرآن، از سطح توصیه‌های فردی فراتر رفته و به نظامی جامع در شکل‌دهی به رفتار اقتصادی انسان منجر می‌شود. این اصول بر پایه جهان‌بینی توحیدی، بر مسئولیت‌پذیری فرد، تعادل در مصرف، تولید حلال، عدالت توزیعی و آموزش نسلی تأکید می‌کنند. در واقع، قرآن با ارائه الگویی از انسان اقتصادی مؤمن، مسئول و خردمند، به دنبال آن است که جامعه‌ای با ساختار اقتصادی سالم، عادلانه و اخلاق‌مدار شکل دهد. این اصول، نه صرفاً آموزه‌هایی نظری، بلکه معیارهایی کاربردی و الزامی برای تحقق زیست اقتصادی الهی در عصر حاضر هستند.

تحلیل تربیتی آیات اقتصادی قرآن

قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت انسان، ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را تحت پوشش قرار داده است و یکی از عرصه‌هایی که به‌طور گسترده به آن پرداخته، عرصه‌ی اقتصاد و معیشت است. تحلیل تربیتی آیات اقتصادی قرآن، نشان می‌دهد که قرآن نه تنها در مقام تبیین احکام مالی، بلکه در جایگاه یک منبع تربیتی، مفاهیم اقتصادی را با اهداف اخلاقی و ارزشی در هم تنیده است. از منظر قرآن، اقتصاد صرفاً یک مسئله مادی و فنی نیست، بلکه امری معنوی، اخلاقی و فرهنگی است که در بستر توحید و عبودیت تعریف می‌شود. این رویکرد خاص، موجب شده است تا تحلیل محتوای آیات اقتصادی در قرآن، واجد عناصر تربیتی باشد که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نگرش و رفتار اقتصادی انسان دارد.

در تحلیل محتوای آیات اقتصادی، مفاهیمی چون رزق، انفاق، زکات، قناعت، توکل، عدالت، اجتناب از ربا، صدقه، اعتدال در مصرف، کسب حلال و امانت‌داری به‌صورت مکرر در آیات گوناگون دیده می‌شوند. در واقع، محتوای این آیات تنها به توصیه‌های اقتصادی محدود نیست بلکه حامل ارزش‌های تربیتی درونی همچون صداقت، رضایت، نوع‌دوستی و پرهیز از حرص و طمع نیز هست. به‌عنوان مثال، در آیه «وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (ذاریات/۲۲)، مفهوم رزق در پیوند با توکل و ایمان قرار می‌گیرد، که این مسئله نه تنها نگاه فرد را از وسواس مادی‌گرایانه دور می‌کند، بلکه زمینه‌ساز آرامش روانی و قناعت در رفتار اقتصادی می‌شود. (Mashayekhi, 2023) در تحلیل همین آیه اشاره می‌کند که توکل، ریشه در باور به حکمت و ربوبیت الهی دارد و موجب تعدیل رفتار اقتصادی افراد و دوری از اضطراب‌های مالی می‌شود.

در برخی دیگر از آیات مانند «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹)، ارتباطی صریح میان تلاش فردی و بهره‌مندی اقتصادی برقرار شده است. این آیه به‌صورت واضح به اصل پاداش مبتنی بر کوشش اشاره دارد و زمینه‌ساز تربیت انسان فعال، مسئول و خوداتکا در عرصه اقتصادی است. (Tahmasebzadeh Sheykhlar et

al., 2022) در بررسی آیات مزبور، نتیجه‌گیری می‌کند که قرآن تلاش اقتصادی را از ارکان کرامت انسانی و زمینه‌ساز کسب رزق حلال می‌داند. در همین راستا، آیات مربوط به زکات مانند «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه/۱۰۳)، نشان‌دهنده آن است که پرداخت زکات نه تنها ابزار اقتصادی بلکه وسیله‌ای برای تزکیه و پرورش شخصیت اخلاقی انسان است. (Shadkam, 2022) در تحلیل این آیه بر آن است که عمل زکات‌دهی، موجب شکل‌گیری حس مسئولیت اجتماعی و تقویت وجدان دینی در فرد می‌شود.

از منظر محتوایی، آیات اقتصادی قرآن ضمن آنکه دربردارنده پیام‌های صریح اقتصادی‌اند، اغلب به‌صورت ضمنی آموزه‌های تربیتی را نیز منتقل می‌کنند. برای مثال، در آیه «وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ» (قصص/۷۷)، که در ضمن توصیه به استفاده از امکانات برای رسیدن به آخرت بیان می‌شود، فساد اقتصادی در زمره‌ی گناهان بزرگ معرفی می‌شود. این آیه در کنار توصیه به بهره‌برداری مشروع از نعمت‌ها، تربیت روحیه‌ای ضد فساد و مبتنی بر عدالت را نیز دنبال می‌کند. (Davari Chalqai & Bakoui, 2019) تأکید می‌کند که تحلیل محتوایی چنین آیاتی، نشان‌دهنده ارتباط عمیق بین اقتصاد و اخلاق در نگرش قرآنی است و نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی بدون مبنای تربیتی و اخلاقی، از نگاه قرآن فاقد مشروعیت است.

تطبیق میان آموزه‌های تربیتی و رفتارهای اقتصادی انسان‌ها، یکی از مهم‌ترین نتایج حاصل از تحلیل محتوای آیات اقتصادی قرآن است. آموزه‌های قرآنی، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که نه تنها به شکل نظری قابل فهم باشند، بلکه در عمل نیز الگوهای رفتاری قابل پیاده‌سازی ارائه دهند. این تطبیق در مفاهیمی چون قناعت، انفاق، کسب حلال، اجتناب از اسراف، و توزیع عادلانه ثروت کاملاً مشهود است. به‌عنوان نمونه، آموزه قناعت در آیات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله در آیه «وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ» که توصیه به دوری از چشم‌داشت به نعمت‌های دیگران دارد و به‌طور ضمنی، قناعت را تشویق می‌کند. (Akbari Dastak, 2016) در تفسیر این آموزه،

قناعت را عامل تعادل روانی و کاهش نابرابری رفتاری معرفی می‌کند و معتقد است که فرد قانع، نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، رویکردی سالم‌تر دارد و در چرخه نابرابر مصرف‌گرایی گرفتار نمی‌شود.

رفتارهای اقتصادی‌ای که در آموزه‌های قرآنی تشویق یا نکوهش شده‌اند، کاملاً ناظر بر تربیت تدریجی انسان هستند. انفاق، به‌عنوان یکی از این رفتارها، با هدف ایجاد حس همدلی، مشارکت، و مهربانی در جامعه تشویق شده است. آیات انفاق همواره بر داوطلبانه بودن، خلوص نیت و هدف الهی در اعطای مال تأکید دارند.

(Beheshti, 2011) بیان می‌دارد که انفاق، از نظر تربیتی به انسان می‌آموزد که ثروت را ابزاری برای قدرت‌نمایی یا تفاخر نبیند، بلکه آن را وسیله‌ای برای رشد معنوی و اجتماعی بداند. این تحلیل، نشان می‌دهد که تطبیق میان آموزه‌های تربیتی قرآن و رفتارهای اقتصادی می‌تواند به شکل‌گیری الگویی سازنده برای توسعه انسانی بینجامد.

در همین چارچوب، نقش پیامبران در تربیت اقتصادی امت‌ها از منظر قرآن کریم، جایگاهی اساسی دارد. پیامبران نه تنها آموزگاران عقاید و عبادات بوده‌اند، بلکه مسئول تربیت اجتماعی و اقتصادی امت خود نیز محسوب می‌شده‌اند. قرآن در سوره‌های مختلف از گفت‌وگوهای پیامبران با قوم‌شان درباره مسائل اقتصادی سخن می‌گوید. برای نمونه، حضرت شعیب (ع) پیامبری است که به‌صراحت علیه کم‌فروشی، احتکار، و فساد اقتصادی هشدار می‌دهد. آیه «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ» (شعراء/۱۸۱) گواه آن است که مسئله عدالت اقتصادی بخشی از رسالت او در تربیت امت بوده است. (Mehjor, 2022) در تحلیل رسالت شعیب (ع) این نکته را مطرح می‌کند که پیامبران، در کنار دعوت به توحید، به‌صورت مستقیم وارد حوزه تنظیم رفتارهای اقتصادی امت می‌شدند، چرا که ناهنجاری‌های اقتصادی در سطح جامعه، به فساد اخلاقی و تزلزل اعتقادی می‌انجامید.

نمونه دیگری از این نقش را در زندگی حضرت یوسف (ع) می‌توان مشاهده کرد. قرآن او را به‌عنوان مدیری توانمند در بحران اقتصادی

معرفی می‌کند. در سوره یوسف، ماجرای برنامه‌ریزی اقتصادی برای دوران قحطی، نمونه‌ای روشن از تربیت و مدیریت اقتصادی بر پایه عقلانیت، ایمان، و عدالت است. (Ahmadi Far, 2014) در تفسیر این داستان، بر آن است که پیامبران، هم راهبران معنوی امت بودند و هم الگوهای عملی در حوزه اقتصاد، که با رفتار خود مفاهیم دینی را در ساختارهای واقعی زندگی پیاده می‌کردند. همچنین، حضرت یوسف (ع) با اجرای سیاست ذخیره‌سازی هوشمندانه گندم، بر اهمیت پیش‌بینی اقتصادی و مدیریت بحران تأکید می‌کند که می‌تواند الگویی عملی برای دولت‌های معاصر باشد.

پیامبران نه تنها ناهنجاری‌های اقتصادی را نقد می‌کردند، بلکه در جایگاه معلم، مربی و مدیر، شیوه‌های اصلاح رفتار اقتصادی را نیز ارائه می‌دادند. حضرت محمد (ص)، به‌عنوان خاتم الانبیاء، اصلاح بازارهای اقتصادی مکه را در رأس رسالت اجتماعی خود قرار داد. وی با مبارزه با ربا، توصیه به انصاف در تجارت، حمایت از حقوق مشتری و کارگر، و تشویق به تجارت حلال، نهاد اقتصاد اسلامی را بنا نهاد. به‌باور (Irvani, 2012) سنت پیامبر (ص) نمونه‌ای کامل تعامل آموزه‌های تربیتی با رفتارهای اقتصادی در عمل بود؛ چنان‌که سیره او در معاملات، خود تربیتی مستمر برای اصحابش به‌شمار می‌آمد.

در جمع‌بندی این تحلیل می‌توان گفت که آیات اقتصادی قرآن، نه تنها حامل احکام و مفاهیم مالی‌اند، بلکه بستری برای پرورش ارزش‌های اخلاقی، مسئولیت اجتماعی، و استقلال فردی فراهم می‌کنند. تطبیق این آموزه‌ها با رفتارهای انسانی، امکان تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، قناعت، تعاون و رشد متوازن را فراهم می‌سازد. همچنین، پیامبران در این مسیر، نقش کلیدی در آموزش، الگوسازی و اجرای عملی اصول تربیت اقتصادی ایفا کرده‌اند، تا انسان اقتصادی از منظر قرآن، نه تنها مؤمن و مؤدب، بلکه آگاه، خلاق، و مسئول نیز باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم، مفهومی فراتر از آموزش مهارت‌های مالی یا انتقال مفاهیم اقتصاد متعارف است. آنچه در بررسی مبانی نظری، مفاهیم بنیادین و اصول تربیتی اقتصاد قرآنی روشن شد، این است که قرآن با نگاهی تربیتی، اقتصادی و اخلاقی به موضوع معیشت انسان نگرسته و الگویی جامع برای رفتارهای مالی، مصرفی و تولیدی ارائه کرده است. این الگو بر پایه جهان‌بینی توحیدی، اخلاق انسانی، عدالت اجتماعی و تعالی فردی شکل گرفته و دربردارنده نظامی هماهنگ از ارزش‌ها، بایدها و نبایدهای اقتصادی است که نه تنها برای فرد، بلکه برای جامعه نیز کارآمد است.

تحلیل مفهومی تربیت اقتصادی نشان داد که این نوع تربیت در قرآن، نه صرفاً به‌منزله آموزش فنی، بلکه به‌عنوان فرآیندی معنوی و ارزشی تلقی می‌شود که در جهت‌گیری رفتارهای اقتصادی نقش‌آفرین است. این نوع تربیت با هدف ساختن انسان مؤمن، مسئول، آگاه و خدامحور طراحی شده و بر رشد درونی افراد به‌واسطه کنش‌های مالی منطبق با اصول الهی تأکید دارد. در این راستا، مسئولیت‌پذیری مالی، میانه‌روی در مصرف، اجتناب از اسراف، کسب روزی حلال، تقویت روحیه قناعت، و کمک به محرومان، از جمله ارزش‌هایی هستند که قرآن بر آن‌ها تأکید دارد و آن‌ها را به‌مثابه ابزارهایی برای ارتقای شخصیت اقتصادی و اخلاقی فرد معرفی می‌کند.

در بخش مفاهیم بنیادین اقتصادی، روشن شد که مفاهیمی مانند مالکیت، مصرف، تولید، توزیع، کار، و عدالت اقتصادی، تنها ابزارهای اقتصادی در نظام قرآنی نیستند، بلکه حامل پیام‌های تربیتی هستند که انسان را به سمت رفتارهای مسئولانه، متعادل و اخلاق‌مدار سوق می‌دهند. مثلاً مفهوم مالکیت در قرآن، نه مطلق، بلکه امانتی الهی است که همراه با تعهدات اخلاقی تعریف شده و مصرف نیز باید در چارچوب عدالت و میانه‌روی انجام گیرد. این نگاه، از یک سو مانع از اسراف و تبذیر و از سوی دیگر، راهی برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی است.

در تحلیل محتوای آیات اقتصادی قرآن، روشن شد که آیات قرآن در حوزه اقتصاد، هم جنبه توصیفی دارند و هم جنبه تجویزی. به این

معنا که قرآن علاوه بر توصیف وضعیت‌های اقتصادی و رفتارهای نادرست انسان‌ها، راهکارهایی را نیز برای اصلاح رفتارها و نظام‌های اقتصادی ارائه می‌دهد. این راهکارها عمدتاً مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، بینش توحیدی، و روحیه مسئولیت‌پذیری هستند. همچنین تحلیل محتوای این آیات نشان داد که بسیاری از مفاهیم اقتصادی در قرآن، به صورت ضمنی در دل مفاهیم تربیتی، اخلاقی و اجتماعی طرح شده‌اند و همین پیوند معنایی باعث شده که این مفاهیم قدرت نفوذ تربیتی بیشتری در مخاطب داشته باشند.

از دیگر نکات مهم، نقش پیامبران در تربیت اقتصادی امت‌ها بود. پیامبران الهی، صرفاً مصلحان دینی یا سیاسی نبودند، بلکه اصلاح‌گران اقتصادی نیز محسوب می‌شدند که تلاش می‌کردند رفتارهای مالی امت‌ها را در مسیر عدالت، انصاف، پاکی و توحید هدایت کنند. از حضرت شعیب به عنوان پیامبر مبارزه با کم‌فروشی و فساد اقتصادی گرفته تا حضرت یوسف که در نقش مدیر بحران اقتصادی ظاهر می‌شود، پیامبران الگویی عملی از تربیت اقتصادی ارائه داده‌اند که در آن ایمان، عقلانیت، عدالت و تقوا با هم تلفیق شده‌اند. این رویکرد تربیتی، الگویی واقعی از تعامل دین با اقتصاد در سطح عملی است.

همچنین بررسی اصول تربیتی اقتصاد در قرآن نشان داد که قرآن در کنار ارائه اصول کلی، بر تمرین‌های تربیتی روزمره نیز تأکید دارد. تشویق به قناعت، تمرین انفاق، رعایت عدالت در خرید و فروش، پرهیز از فریب در معاملات، و اهتمام به مسئولیت اجتماعی، همه از جمله مصادیق تمرینی تربیت اقتصادی هستند که به تدریج فرد را از مصرف‌گرایی، حرص، طمع و انفعال اقتصادی دور کرده و به سوی فعال بودن، خدامحوری و مشارکت در بهبود وضعیت معیشتی جامعه سوق می‌دهند.

نکته قابل تأمل آن است که این اصول اقتصادی و تربیتی قرآن، محدود به زمان نزول وحی نبوده و کاملاً قابلیت تطبیق با نیازهای دنیای معاصر را دارند. مفاهیمی مانند عدالت توزیعی، مقابله با اشرافی‌گری، مبارزه با فقر، توجه به محرومان، مسئولیت اجتماعی، و

اقتصاد مقاومتی، امروزه نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصادی در سطح جهانی هستند. در واقع، آنچه قرآن در قالب آموزه‌های تربیتی بیان کرده، در حال حاضر به عنوان شاخص‌هایی برای توسعه پایدار و اقتصاد انسانی در نظام‌های بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. این هم‌خوانی نشان می‌دهد که قرآن با وجود قدمت تاریخی خود، به دلیل برخورداری از ساختار تربیتی و ارزشی، همچنان پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی بشر در دوران جدید است.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که تربیت اقتصادی قرآنی، الگویی چندلایه، جامع و پویاست که از سطوح فردی تا اجتماعی را پوشش می‌دهد. این الگو بر آن است که انسان اقتصادی مؤمن، نه تنها آگاه به مفاهیم نظری اقتصاد باشد، بلکه در عمل نیز به اصولی همچون صداقت، میانه‌روی، عدالت، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی پایبند باشد. پرورش چنین انسانی، به معنای پی‌ریزی جامعه‌ای عادلانه، سالم و توحیدی است که در آن ثروت نه ابزار سلطه، بلکه وسیله رشد و تعالی انسانی تلقی می‌شود.

بر اساس آنچه از تحلیل داده‌ها و بررسی منابع قرآنی به دست آمد، به روشنی می‌توان اظهار داشت که تربیت اقتصادی در قرآن، با اتکای به جهان‌بینی توحیدی و اخلاق اسلامی، قادر است الگویی جامع برای ساختاردهی به رفتار اقتصادی انسان‌ها در جوامع اسلامی ارائه دهد. تکیه بر این الگو نه تنها موجب شکل‌گیری جامعه‌ای عاری از تبعیض و نابرابری می‌شود، بلکه انسان‌ها را به سمت تحقق حیات طیبه در عرصه اقتصاد هدایت می‌کند. این مهم، رسالت اصلی نظام تعلیم و تربیت اسلامی در زمانه حاضر است؛ یعنی پیوند زدن عقلانیت اقتصادی با ارزش‌های الهی و اجتماعی، تا انسان اقتصادی مطلوب از منظر قرآن محقق شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Economic education, as a concept deeply rooted in both individual moral development and social responsibility, occupies a prominent place in the Qur'anic worldview. Unlike secular economic theories that often treat economic behavior as value-neutral, the Qur'an intertwines economic principles with ethical and spiritual mandates. This article seeks to analyze the educational foundations, concepts, and behavioral directives that shape economic education in the Holy Qur'an. Using a descriptive-analytical method, the study draws from Qur'anic verses and prior academic literature to provide a coherent model of economic upbringing aimed at cultivating human beings who are not only economically active but also morally and spiritually accountable. Economic education from the Qur'anic perspective emphasizes inner transformation, social justice, and responsible consumption over mere accumulation of wealth. The focus of this study is to identify Qur'anic principles that inform economic ethics, including contentment, moderation, lawful earnings, financial accountability, and altruism. In doing so, it brings to light how the Qur'an functions not only as a religious text but as a comprehensive guide to socioeconomic behavior.

At the conceptual level, economic education in the Qur'an is constructed upon a theological foundation where all wealth is considered a trust from God. Ownership is viewed not as an absolute right but a divinely granted responsibility. According to (Asadi Kani, 2014), the Qur'an redefines ownership in moral terms, limiting its usage by ethical norms and social obligations. The purpose of economic education in this context is to cultivate a sense of financial stewardship whereby individuals are expected to align their economic practices with divine commands and community welfare. This idea is reinforced through verses that caution against extravagance, encourage moderation, and warn of the spiritual dangers of greed. The Qur'an teaches that wealth should be pursued not as an end in itself but as a means for attaining proximity to God, supporting one's

family, and aiding the poor. This orientation gives rise to a unique pedagogical approach where economic education becomes a vehicle for ethical instruction and character formation, rather than mere technical training in financial management.

An essential component of this Qur'anic framework is the principle of moderation and the avoidance of wasteful consumption. Verses such as "Eat and drink, but do not waste. Indeed, He does not like the wasteful" (Al-A'raf: 31) serve as foundational references for Islamic economic pedagogy. According to (Jadari Ali, 2022), such teachings promote a sustainable model of consumption where needs are prioritized over desires, and resources are utilized efficiently and justly. This principle is not limited to material consumption but extends to all economic behaviors, including investment, production, and distribution. The Qur'an envisions a balanced lifestyle where economic decisions reflect restraint, foresight, and spiritual awareness. The implication for education is clear: economic curricula inspired by Qur'anic values must instill in learners a deep respect for resources, an awareness of their limits, and a commitment to ecological and intergenerational justice. This educational orientation prepares individuals not for competitive accumulation, but for thoughtful participation in a moral economy rooted in divine accountability.

Another critical dimension of economic education in the Qur'an is the encouragement of lawful labor and entrepreneurial effort. The Qur'an elevates the act of earning through legitimate means to a spiritual practice, stating that "Man will only have what he strives for" (An-Najm: 39). This emphasis on lawful earning (kasb halal) is further reinforced in traditions that equate a worker's sweat with dignity and a merchant's honesty with piety. (Amarloo et al., 2019) argues that economic self-reliance, based on lawful labor, is essential for personal integrity and social cohesion. The Qur'anic perspective dissuades from both laziness and dependence, urging believers to seek their sustenance while placing their trust in God's providence. Such teachings support the

development of an educational model that not only fosters technical competence and work ethics but also integrates spiritual motivation. By framing labor as both a worldly necessity and an act of worship, the Qur'an encourages individuals to view economic activity through the lens of devotion, responsibility, and communal benefit.

Beyond individual ethics, the Qur'an places a strong emphasis on social justice and equitable distribution of wealth. Economic education, in this framework, involves cultivating a consciousness of fairness, inclusivity, and solidarity. The obligation of zakat, the encouragement of voluntary charity (sadaqah), and the condemnation of exploitative practices such as riba (usury) and fraud are explicit in the Qur'anic discourse. According to (Shadkam, 2022), these obligations are designed not merely to support the poor but to prevent the concentration of wealth in the hands of a few. The Qur'an instructs believers to share their resources, support community welfare, and refrain from hoarding or manipulating markets. Such prescriptions establish a curriculum of economic justice, where learners are taught to balance personal gain with social responsibility. This vision extends into educational objectives that include empathy, financial ethics, and civic engagement, ensuring that economic empowerment does not occur at the expense of social harmony or moral accountability.

One of the most significant aspects of Qur'anic economic education is the role of prophetic figures in modeling and disseminating these values. Prophets such as Shu'ayb and Yusuf are depicted not only as spiritual guides but as economic reformers who challenge corruption, advocate fair trade, and implement just economic policies. For instance, Prophet Shu'ayb admonished his people against fraudulent practices and weight manipulation, emphasizing that such behaviors invite divine punishment. Meanwhile, Prophet Yusuf's strategic planning during Egypt's economic crisis illustrates the importance of foresight, resource management, and public service. As (Ahmadi Far, 2014) illustrates, these narratives are not simply historical accounts but

educational models for managing resources, making decisions in times of scarcity, and ensuring economic stability. They serve as practical illustrations of how moral leadership can intersect with economic governance, offering a template for integrating religious principles into modern economic systems. Such prophetic examples enhance the legitimacy of economic education grounded in faith, demonstrating its applicability across time and context.

In conclusion, this article has demonstrated that the Qur'an provides a coherent and comprehensive model of economic education that transcends the limitations of secular economic paradigms. Rooted in ethical monotheism and social justice, Qur'anic economic teachings guide individuals toward responsible, balanced, and purposeful economic behavior. Through principles such as financial responsibility, moderation, lawful earnings, altruism, and communal justice, the Qur'an shapes not only the economic mindset but the spiritual and ethical fabric of individuals and societies. The pedagogical value of Qur'anic economic verses lies in their integrative nature—linking thought with action, belief with behavior, and self-interest with collective welfare. As modern societies grapple with challenges of inequality, consumerism, and ecological degradation, revisiting the Qur'anic model of economic education offers valuable insights into building economies that are not only efficient but also just, humane, and spiritually enriching. By cultivating the ethical foundations of economic activity, the Qur'anic framework contributes to the formation of economic agents who are not only productive but also compassionate, just, and God-conscious.

References

- Ahmadi Far, M. (2014). *Economic Education from the Perspective of the Quran and Hadith*. Qom: Tabyan Cultural and Information Institute.
- Akbari Dastak, F. (2016). The Position of the Culture of Contentment (Action and Practice) and its Functions in Explaining and Consolidating the Foundations of Resistance Economy from the Perspective

- of Islamic Teachings. *Basirat and Islamic Education Quarterly*, 13(36), 27-47.
- Akrami, V. (2017). Family Economic Management with Observance of Contentment and Factors Attracting Livelihood in Nahj al-Balagha. *New Research in the Field of Shia History, Fehrest, and Civilization*, 1, 103-128.
- Al-Rasul, S., & Bardabard, P. (2013). Development and Acquisition of Livelihood from the Perspective of the Holy Quran. *Kowsar Quarterly*, 47, 59-71.
- Amarloo, M., Heydari, S. S., & Pishahang, M. (2019). Investigating the Role of Acquiring Halal Livelihood in Preventing Family Decline with an Analytical Approach to Quranic and Hadith Statements. *Halal Research Quarterly*, 2(2), 102-116.
- Asadi Kani, F. (2014). The Role of Divine Worldview in Economic Education from the Perspective of the Holy Quran. *Quran and Ahl al-Bayt Journal*, 3.
- Beheshti, S. (2011). *Compilation of Goals, Principles, and Methods of Economic Education (Production, Distribution, Consumption) in the Quran* Master's Thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Allameh Tabataba'i University].
- Davari Chalqai, A., & Bakoui, M. (2019). Economic Indicators of Faithful and Revolutionary Forces from the Perspective of the Holy Quran. *Journal of Islamic Iranian Progress Model*, 7(14), 279-311.
- Faqih, A. R., Sharifi Darvazeh, M., & Sharifi Darvazeh, M. (2016). Economic Education in the Quran. *Human Sciences-Islamic Monthly*, 1(10), 1-12.
- Hatifi Kivanlu, F. (2020). *The Role of Monotheistic Worldview on Economic Behavior from the Perspective of Quranic Verses and Hadiths* Master's Thesis, Department of Quranic Interpretation and Sciences, Hazrat Abd al-Azim University].
- Iravani, J. (2012). The Economic Man from the Perspective of the Quran. *Quranic Teachings*, 15, 3-26.
- Jadari Ali, M. (2022). *Ethics of Consumption from the Perspective of Islam* Ph.D. Dissertation, Baqir al-Ulum University].
- Jaddi, A. (2011). Livelihood and Provision in the Quran and Hadith. *Quranic Knowledge Quarterly*, 5, 25-58.
- Mashayekhi, Z. (2023). The Relationship between Livelihood and Trust from the Perspective of the Quran and Hadith. *New Research in Quranic Teachings and Sunnah*, 11, 9-28.
- Mehjor, H. (2022). Economic Education in the Islamic Standard System from the Perspective of the Holy Quran. *Quran and Social Sciences Quarterly*, 2(4), 56-80.
- Mehri Nejad, R. (2019). Components of Economic Education of the Muslim Woman from the Perspective of Quranic Verses.
- Mousavi Nasab, S. M. R. (2020). Economic Education in the Field of Consumption: Goals, Principles, and Strategies. *Ma'arif Quarterly*, 29(7), 87-94.
- Norouzi, H. (2016). A Study on Extravagance and Ways to Deal with it. *Jostar Journal*.
- Ranjbar, A. (2021). Indicators of Economic Education of the Muslim Man from the Perspective of Quranic Verses and Hadiths. *Journal of Accounting and Economic Sciences*, 19, 55-66.
- Shadkam, H. (2022). Educational Effects of Zakat on the Islamic Society from the Perspective of the Quran and Hadith.
- Tahmasebzadeh Sheykhlar, D., Fattahi Markabed, M., & Imanzadeh, A. (2022). Identification of the Components of Economic Education in the Holy Quran and the Extent of its Reflection in Higher Documents. *Journal of Applied Islamic Education*, 7(1), 91-122. <https://doi.org/10.52547/qaiie.7.1.91>